

یافته و «مقاومت» را به‌دکترین استقامت‌به‌جای‌رویاری تبدیل کرده است. در داخل، این به‌معنای بازتعریف جهاد به‌عنوان بهره‌وری اقتصادی و پایداری اخلاقی است؛ در خارج از کشور، این امر محور مقاومت را با اخلاق مشترک خودانکایی پیوند می‌دهد که تاب‌آوری را به‌عنوان پیروزی تعجید می‌کند.

رسانه‌های رسمی ایران اکنون خویشتن‌داری را پیروزی می‌دانند. در گزارش در ماه سپتامبر، خبرگزاری تسنیم با عنوان «اقتصاد مقاومتی به مثابه دفاع استراتژیک»، نوشت که به‌طور مشخص تولید و رفاه جامعه اقداماتی مقدس هستند. رسانه‌های خبری بر کمپین‌های «اقتصادمقاومتی» برای مبارزه با بیکاری تأکید می‌کنند و مشارکت در این اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان یک وظیفه وجودی تدوین می‌کنند. این روایت خاص، سختی را امتحان الهی می‌داند. در خارج، تهران بُعد اخلاقی اقتصاد را به متحدان خود ارائه می‌کند. نعیم قاسم، رهبر حزب‌الله، مرتب‌تر اظهارات عمومی خود، ایمان را با بُعد اقتصادی در هم می‌آمیزد. به همین ترتیب، «جهاد» خودانکایی حزب‌الله و رفاه مسجدمخور به‌عنوان پیروزی ایمان بر سختی‌ها ارائه می‌شوند. در سراسر محور مقاومت، رفاه و بازسازی اکنون هم به‌عنوان ایدئولوژی و هم به‌عنوان زیرساخت‌های حمایتی مادی عمل می‌کنند.

در داخل کشور، تلفیق ایدئولوژیک بقا با تقدس، ایمان انقلابی را از طریق جهاد اقتصادی حفظ می‌کند؛ در سطح منطقه‌ای، به این محور یک دستور زبان اخلاقی مشترک می‌دهد و استقامت را تقویت می‌کند. مقاومت به‌یک معماری نهادینه تبدیل شده است که بازتوزیع مجدد اقتصادی، تأمین اجتماعی، مشروعیت مذهبی و حکومت شبه‌نظامیان را با هم ترکیب می‌کند.

▼ هزینه‌ها، محدودیت‌ها و بحث‌های عمومی

با این وجود، در داخل ایران، خستگی قابل مشاهده‌ای در مورد پرداخت هزینه‌های محورمقاومت دیده می‌شود. در حالی که آمار تورم و بیکاری در حال افزایش است، اقتصاددانان اصلاح‌طلب استدلال می‌کنند که عمق استراتژیک از طریق نیروهای منطقه‌ای، یک تخلیه مالی برای کشور به‌همراه دارد.

نظرسنجی‌های افکار عمومی که توسط پلنفرم گزارشگری مستقر در ایالات متحده، پروژه تحقیقات و اطلاعات خاورمیانه (MERIP)، خلاصه شده‌اند، نشان‌دهنده‌ی کاهش اشتیاق برای تأمین مالی محور مقاومت، به‌ویژه در مراکز شهری است. روحانیون و رسانه‌های محافظه‌کار هزینه‌های خارجی را به‌عنوان «کمک‌هایی برای مقاومت» توضیح می‌دهند، اما در گفت‌وگو با حزب‌الله مأموریت نیروهای مسلح لبنان است، ضمن اینکه تأکید کرد که فرانسه کاملاً از آنها در این تلاش حمایت می‌کند. واکنشگن پلنفرم‌های اصلاح‌طلب مانند خبرآنلاین و عصر ایران، که عموماً خود را به انتقادات ملایم و غیرمستقیم از سیاست‌های دولت محدود می‌کنند، از کاهش بودجه‌ی حمایت از جبهه مقاومت ابراز نگرانی می‌کنند. تنش بین این حس تعهد انقلابی در مقابل بقای اجتماعی-اقتصادی، زیاده‌است‌و‌جدی‌ترین محدودیت‌های بلندمدت را بر توانایی ایران برای تأمین مالی محور مقاومت ایجاد می‌کنند. البته ایران به‌وجود چنین محدودیت‌هایی همچنان به سیاست حمایت مالی از محور مقاومت ادامه داده است؛ هرچند اکنون از طریق ابزارهای غیرمستقیم عمل می‌کند.

▼ ساختار و تکامل محور مقاومت

جنگ ژوئن ۲۰۲۵ ایران و اسرائیل، شکست‌نگی و همچنین انعطاف‌پذیری محور مقاومت را نشان داد. آنچه که به‌عنوان یک مدل منسجم و متمرکز بر سپاه پاسداران ایران آغاز شد، اکنون به‌عنوان یک «شبکه مقاومت» مسطح‌تر عمل می‌کند که بیش از فرماندهی متمرکز، با دکترین مشترک گره خورده است. این مسطح شدن قبل از جنگ ۱۲ روزه - در پی حمله حماس در اکتبر ۲۰۲۳، زمانی که اسرائیل به‌طور چشمگیری هدف قرار دادن نیروهای متحد ایران در سراسر منطقه را افزایش داد - آغاز شد. با این حال، جنگ ۱۲ روزه به نقطه عطف تعیین‌کننده‌ای تبدیل شد که بدون شک به تهران نشان داد اگر محور مقاومت به‌طور اساسی تغییر شکل ندهد، ایران ممکن است با یک حمله پرترانگ دیگر اسرائیل علیه قلمرو و دارایی‌های استراتژیک خود روبه‌رو شود. این ادراک، تهران را بر آن داشت تا تغییر به سمت یک شبکه مقاومت انعطاف‌پذیرتر و افقی سازمان‌یافته را تسریع کند که نه‌تنها برای حفظ محور مقاومت، بلکه برای محافظت بهتر از ایران در برابر تشدید تنش‌های گسترده اسرائیل در آینده طراحی شده است.

حزب‌الله، حشدالشعبی و حوثی‌ها به‌طور فزاینده‌ای با یکدیگر و با سایر سازمان‌های شبه‌نظامی هماهنگ می‌شوند و اطلاعات و منابع را با میانجیگری کمتر سپاه به اشتراک می‌گذارند و به کنفدراسیونی از اعضای نیمه‌مستقل تحت یک چتر بازدارندگی مشترک تبدیل می‌شوند. به گفته چندین متخصص در حوزه شبه‌نظامیان غیردولتی، این انعطاف‌پذیری، بر خلاف ساختار سلسله‌مراتبی، می‌تواند کلید بقای این محور باشد. گزارش اخیر هیئت سازمان ملل متحد با مستندسازی همکاری نظامی بی‌سابقه بین حوثی‌ها، حزب‌الله، حماس و حتی سلول‌های الشباب سومالی، این روند را برجسته کرده است؛ که یمن را از یک میدان نبرد محلی به یک مرکز لجستیک و آموزشی منطقه‌ای تبدیل می‌کند. بر اساس این گزارش، جنگجویان الشباب در اردوگاه‌های تحت کنترل حوثی‌ها در زمینه ساخت بمب‌های دست‌ساز (IED) و پهباد آموزش دیده‌اند، در حالی که مهندسان حوثی هم‌زمان به جیبیب، سومالی، اعزام شده‌اند تا واحدهای الشباب را در زمینه اصلاح پهباد و نگهداری سلاح آموزش دهند. گزارش هیئت سازمان ملل متحد علاوه بر این تأیید می‌کند که تقریباً ۴۰۰ جنگجوی سومالیایی برای آموزش نظامی و ایدئولوژیک به یمن سفر کرده‌اند و سلول‌های عملیاتی الشباب اکنون در حضرموت برای خرید سلاح از فروشندگان مرتبط

اما زیرساخت‌های بازسازی‌شده در عمل کاربرد دوگانه خواهند داشت و در نهایت از زیرساخت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی این گروه حمایت می‌کنند. در عراق، شرکت‌های مرتبط با حشدالشعبی، به‌رغم تحریم‌های خزانه‌داری ایالات متحده علیه شرکت عمومی المهندس و سرمایه‌گذاری بلندا، که برای تضعیف قابلیت‌های سوودآوری شبه‌نظامیان عراقی طراحی شده‌اند، بر مناقصات ساختمانی دولتی تسلط دارند.

▼ غیر متمرکز شدن و تأمین مالی جهانی

از آنجایی که انتقال مستقیم وجوه دولتی از ایران و معاملات با ارزهای خارجی همچنان با بررسی دقیق مواجه است، اعضای محور مقاومت به‌طور فزاینده‌ای بوجه خود را به خارج از کشور منتقل کرده‌اند. حزب‌الله مانند حوثی‌ها از ارزهای دیجیتال استفاده می‌کند؛ اما همچنین از مبادله طلا و سایر عملیات پول‌سازی در سراسر آفریقا و خلیج‌فارس استفاده می‌کند. طبق گزارش‌ها، این گروه همچنین در تجارت‌های خاص در آمریکای لاتین و معاملات الماس در غرب آفریقا سرمایه‌گذاری می‌کند. این اکوسیستم مقاوم در برابر تحریم شامل طرح‌های به اصطلاح بانکداری سایه شامل کانال‌های چندارزی و رمزنگاری و همچنین شرکت‌های صوری است که برای انتقال درآمد از فروش پتروشیمی و نفت طراحی شده‌اند. در سال‌های اخیر، ایران عمداً نیروهای متحد خود را برای خودکفایی مالی از طریق بازارهای نیمه‌قانونی تجهیز کرده است. اقتصاد منطقه خاکستری، تداوم روند بازیابی توان را در شرایط انزواتضمین می‌کند.

▼ نقش حمایتی قدرت‌های بزرگ بین‌المللی

بخشی از استراتژی بازسازی ایران و محور مقاومت، متکی بر حمایت نزدیکترین کشورها به ایران، یعنی روسیه و چین است. روسیه، به‌ویژه از زمان وقوع جنگ ۱۲ روزه، به‌طور فزاینده‌ای به عنوان سپر دیپلماتیک اصلی برای ایران عمل کرده است و از حق وتوی شورای امنیت سازمان ملل، پیام‌رسانی عمومی و مجامع چندجانبه برای کاهش فشار غرب بر تهران و شرکای محور مقاومت استفاده کرده است. مسکو حملات اسرائیل به ایران را محکوم کرده و اقدامات ایران را دفاعی توصیف کرده است و اقدامات شورای امنیت علیه تهران یا نیروهای نیابتی آن، از جمله تلاش‌های قبلی برای انتقاد از ایران به دلیل انتقال سلاح به حوثی‌ها را تعدیل یا بلوکه کرده است. روسیه همچنین نقش سیاسی حزب‌الله را در مذاکرات سازمان ملل تأیید کرده و سال گذشته لحن مورد نظر این گروه را در دستور کار خود قرار داده است. فراتر از سازمان ملل، روسیه و ایران در طول دهه گذشته، هماهنگی استراتژیک خود را از طریق فرآیند آستانه (مذاکرات سه‌جانبه در مورد وضعیت سوریه که در سال ۲۰۱۷ با حضور روسیه، ایران و ترکیه و به میزبانی قزاقستان آغاز شد) تعمیق بخشیده‌اند. این امر منجر به عادی‌سازی شبه‌نظامیان همسوس با ایران به‌عنوان بازیگران امنیتی مشروع در سوریه قبل از سقوط بشار اسد شد.

از آن زمان، مشارکت روسیه و ایران از نظر همکاری دو کشور در حمایت از نیروهای غیردولتی ایران، سیستماتیک‌تر شده است. سلاح‌های ساخت روسیه در دستان حزب‌الله دیده شده‌اند؛ از جمله موشک‌های ضد تانک کورنت و کنکورس که در سال ۲۰۲۴ علیه اهداف اسرائیلی استفاده شدند که نشان‌دهنده تقویت غیرمستقیم اما ملموس در میدان نبرد است. مسکو همچنین گزارش داده است که انتقال سلاح و تجهیزات نظامی به حوثی‌ها را بررسی کرده است و این نشان‌دهنده تمایل به گسترش حمایت مادی از شرکای ایرانی بسیار فراتر از همسایگی نزدیک روسیه با صحنه‌های عملیاتی سنتی است. در واقع، وقتی صحبت از عرصه دریای سرخ می‌شود، گزارش‌ها مبنی بر اینکه روسیه موافقت کرده است موشک‌های ضدکشتی پیشرفته را به حوثی‌ها منتقل کند و داده‌های هدف‌گیری را برای پشتیبانی از حملات به کشتی‌های غربی ارائه دهد، نشان می‌دهد که چگونه این همکاری اکنون حوزه‌های دیپلماتیک، مادی و عملیاتی را در بر می‌گیرد و شبکه متحد ایران را به‌عنوان بخشی از یک معماری بازدارندگی گسترده‌تر و هماهنگ تقویت می‌کند. با این حال، نیازهای ارتش روسیه در جنگ خودش در اوکراین، همراه با تحریم‌های مرتبط، محدودیت‌های فزاینده‌ای را بر توانایی مسکو در تأمین سلاح برای بازیگران خارجی تحمیل کرده است. بنابراین، چین از زمان جنگ ژوئن اسرائیل با ایران، بی‌سروصدا به یک عامل حیاتی برای بهبود وضعیت نظامی ایران تبدیل شده است. اگرچه این رابطه مدت‌ها قبل از درگیری ۲۰۲۵ وجود داشته است. یکن همچنان به تهران مواد اولیه پیشران موشک، قطعات هدایت و رانش و قطعات الکترونیکی دومتظوره که مستقیماً به خطوط تولید موشک‌های بالستیک، پهباد و پدافند هوایی ایران متصل می‌شوند، عرضه می‌کند. چین با کمک به بازسازی عناصر کلیدی بازدارندگی موشکی ایران، محدودیت‌های فعلی روسیه در تأمین این قطعات را جبران می‌کند و صنعت چین را به‌عنوان شریک اصلی دفاعی پشت صحنه تهران قرار می‌دهد و نکته مهم این است که این همکاری فراتر از سخت‌افزار است: تخصص علمی چین در کنار پشتیبانی‌های اطلاعاتی، نظارتی و شناسایی (ISR)، ظرفیت ایران را برای بازسازی سیستم‌های تهاجمی دوربرد و حفظ شبکه‌های نیابتی خود تقویت می‌کند و به تهران اجازه می‌دهد تا بدون استقرار آشکار نیروهای خارجی، بازدارندگی رو به جلوی خود را بازسازی کند. در مجموع، این ورودی‌ها یک خط لوله محتاطانه اما از نظر استراتژیک معنادار را تشکیل می‌دهند که بازسازی نظامی پس از جنگ ایران را تسریع می‌کند و تلاش‌های ایالات متحده، اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس را برای تضعیف قابلیت‌های منطقه‌ای ایران پیچیده می‌کند.

▼ بازتنظیم ایدئولوژیک

پروژه ایران در کنار تغییر استراتژی بقای اقتصادی آن، تکامل

با حوثی‌ها فعالیت می‌کنند. در همین حال، عوامل حزب‌الله و متخصصان موشکی ایران همچنان به‌حوثی‌ها مشاوره می‌دهند. گفت‌وگوهای ایران نیز خود این تغییر را منعکس می‌کند. رسانه‌هایی مانند تسنیم و تهران‌تایمز به‌طور معمول بر محور مقاومت به‌عنوان شبکه‌ای از ملت‌ها تأکید می‌کنند، نه یک زنجیره فرماندهی از بالا به پایین. اظهارات استراتژیست‌ها و دیپلمات‌های ایرانی، از جمله عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، علاوه بر این، بر بازدارندگی منطقه‌ای و حکومت مشترک بین اعضای محور مقاومت تأکید می‌کنند و نشان‌دهنده یک چرخش لفظی از هژدایت به سمت همسو کردن شرکای غیردولتی ایران هستند.

در نهایت، در سطح استراتژیک، بازدارندگی برای جبران کمبودهای آشکار در توانایی‌ها در نتیجه جنگ ۱۲ روزه و حملات شدید اسرائیل علیه محور مقاومت، کارآمدتر شده است. بنابراین، روایت‌های پس از جنگ، شکست‌های تاکتیکی را به‌عنوان اثبات استقامت ایران و محور مقاومت بازتعریف می‌کنند و بقا را به قدرت سیاسی تبدیل می‌کنند؛ که از نظر تاکتیکی تضعیف شده اما از نظر استراتژیک تقویت شده است. پیام مورد نظر به دشمنان و شرکای این است که فروپاشی ساختار سیاسی در تهران نه‌قریب‌الوقوع است و نه می‌توان آن را به راحتی مهندسی کرد.

▼ واکنش‌ها و اقدامات متقابل منطقه‌ای

بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی منفعل نمانده‌اند؛ اقدامات متقابل آنها به‌طور فزاینده‌ای نشان‌دهنده اذعان به این است که محور مورد حمایت ایران هنوز فعال است و تلاش می‌کند تا تجدید قوا کند. در لبنان، درخواست رئیس‌جمهور جوزف عون در ژوئیه ۲۰۲۵ برای خلع سلاح حزب‌الله تحت قطعنامه ۱۷۰۱ سازمان ملل متحد، نشان‌دهنده واکنش نهادی مورد حمایت شرکای غربی و خلیج فارس است. هم‌زمان، تحریم‌های خزانه‌داری ایالات متحده که بانک قرض الحسنه را هدف قرار داده بود، به زیرساخت‌های مالی حزب‌الله ضربه زد، دارایی‌ها را مسدود کرد و مشروعیت بانکی داخلی آن را تضعیف کرد. در ۶ نوامبر ۲۰۲۵، ایالات متحده سه فرد متمهم به انتقال میلیون‌ها دلار از ایران به حزب‌الله برای تأمین مالی ملل متحد، نشان‌دهنده واکنش نهادی مورد حمایت شرکای غربی و خلیج فارس است. هم‌زمان، تحریم‌های خزانه‌داری ایالات متحده که بانک قرض الحسنه را هدف قرار داده بود، به زیرساخت‌های مالی حزب‌الله ضربه زد، دارایی‌ها را مسدود کرد و مشروعیت بانکی داخلی آن را تضعیف کرد. در ۶ نوامبر ۲۰۲۵، ایالات متحده سه فرد متمهم به انتقال میلیون‌ها دلار از ایران به حزب‌الله برای تأمین مالی عملیات و تلاش‌های بازسازی آن را تحریم کرد و این اقدام را بخشی از تلاش‌ها برای خلع سلاح این گروه خواند. جان هرلی، معاون وزیر خزانه‌داری، گفت که لبنان تنها در صورتی می‌تواند به ثبات دست یابد که حزب‌الله خلع سلاح شود و نفوذ ایران پایان یابد. یک روز بعد، فرانسه از تلاش‌های لبنان برای خلع سلاح حزب‌الله حمایت کرد. پاسکال کائفرو، سخنگوی وزارت امور خارجه، گفت که خلع سلاح حزب‌الله مأموریت نیروهای مسلح لبنان است، ضمن اینکه تأکید کرد که فرانسه کاملاً از آنها در این تلاش حمایت می‌کند. واکنشگن همچنین مخالفت مستقیم خود را با هرگونه مشارکت شبه‌نظامیان وابسته به ایران - که اکنون پس از انتخابات اخیر اکثریت پارلمانی را در اختیار دارند - در دولت بعدی عراق ابراز کرده و از رهبران عراق خواسته است که از وزارتخانه‌های تحت کنترل گروه‌های مسلح وابسته به ایران خودداری کنند.

وقتی صحبت از یمن می‌شود، بازیگران منطقه‌ای با ترکیبی از دیپلماسی تنش‌زدایی در قبال جنگ داخلی و اقدامات امنیتی گزینشی در اطراف دریای سرخ به حوثی‌ها پاسخ داده‌اند، اما آنها تا حد زیادی از مشارکت مستقیم در تلاش‌های نظامی به رهبری ایالات متحده علیه حملات دریایی حوثی‌ها خودداری کرده‌اند. اکثر کشورهای حاشیه خلیج فارس و کشورهای عربی فقط به دنبال جلوگیری از یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر، دور نگه داشتن زیرساخت‌های خود از خطر آتش و جداسازی بحران دریای سرخ از مسیرهای دیپلماتیک یمن خود هستند.

اثربخشی ناهمگون چنین اقدامات بین‌المللی در سراسر خاورمیانه به معماری تأمین مالی تهران اجازه داده است تا از شکاف‌های نظارتی جهانی فراتر از صلاحیت هر بازیگر واحدی استفاده کند. مواضع اخیر آمریکا این ارزیابی مجدد را برجسته می‌کند: طبق گزارش‌ها، واکنشگن «هشدار نهایی» را به بغداد در مورد نیروهای بسیج مردمی صادر کرده است که نشان می‌دهد همکاری‌های آینده به مهار نفوذ شبه‌نظامیان و شبکه‌های دور زدن تحریم‌ها بستگی دارد. اظهارات عمومی باراک، سفیر آمریکا در دوم نوامبر که لبنان را «دولتی شکست‌خورده» تحت سلطه حزب‌الله توصیف کرد، علاوه بر ادعای او مبنی بر اینکه از این پس تعامل ایالات متحده محدود خواهد بود، به‌طور مشابه ناامیدی واکنشگن از استقامت این محور را نشان داد.

▼ نتیجه‌گیری

محور مقاومت ایران فرونپاشیده، بلکه از نظر نظامی، مالی، ایدئولوژیکی و سازمانی، در حال سازگاری مجدد است آنچه شرایط را آرام جلوه می‌دهد، تغییر رویکرد محور مقاومت از فعالیت میدانی به سنگربندی نهادی است که زمینه را برای بازسازی بالقوه آن فراهم می‌کند. مسکو برای محور مقاومت پوشش دیپلماتیک فراهم می‌کند؛ یکن، توازن اقتصادی فناوری وورودی‌های نظامی هدفمند را ارائه می‌کند. این دو با هم، تهران را از انزوای دور می‌کنند و این کشور را در یک چارچوب گسترده‌تر ضدغربی قرار می‌دهند. برخی معتقدند که بدون تهاجم تمام‌عیار و […]. بعید است اقدامات قهری محدود بتوانند نفوذ تهران را در سراسر خاورمیانه ریشه کن کنند. اما چنین تهاجمی از نظر سیاسی و نظامی غیرقابل دفاع است. بنابراین، در غیاب این گزینه، واکنشگن و متحدانش باید رویکردهای جدیدی - سنجیده، پایدار، اغلب غیرمستقیم و با صبر استراتژیک - اتخاذ کنند و مهار را با تعامل گزینشی ترکیب کنند. چالش، معجزه‌شکل نظم منطقه‌ای فعلی است که تهران آموخته است از آن بهره‌برداری کند، و این کار را بدون توسل به جنگ‌های بی‌ثبات‌کننده انجام دهد.

مترجم: آر‌اصدیقی

دیپلمات‌ها



از رفع تحریم غافل نیستیم

وزیر امور خارجه ضمن تأکید بر اینکه وزارتخانه در همه این سال‌ها حتی در پیچیده‌ترین و پرتنش‌ترین مقاطع از مأموریت اساسی خود در جهت رفع تحریم‌ها غافل نبوده است، تصریح کرد: وقتی می‌گوییم «با تحریم باید زندگی کرده»، منظور این است که نباید جریان تولید، تجارت و پیشرفت کشور را موقوف به رفع تحریم کرد و نباید متفعلانه منتظر روزی ماند که شاید تحریم‌ها برداشته شود. سیدعباس عراقچی جمعه‌شب پنجم دی ۱۴۰۴ در پایان سفر یک‌روزه خود به اصفهان در گزارشی از این سفر افزود: سفر کوتاه یک‌یونیم‌روزه به اصفهان، بیش از آنکه یک برنامه فشرده کاری باشد، فرصتی بود برای شنیدن و گفت‌وگو؛ گفت‌وگو با فعالان اقتصادی استانی که همیشه یکی از موتورهای اصلی تولید، تجارت و کارآفرینی کشور بوده است. عراقچی ادامه داد:

در این دیدارها تلاش کردم صریح و بی‌واسطه درباره جایگاه وزارت امور خارجه در اقتصاد کشور صحبت کنم. گفتیم که برای ما، دیپلماسی اقتصادی یک عنوان تزئینی با صراف‌اداری نیست؛ یک مسئولیت واقعی است. مسئولیتی که امروز بیش از هر زمان دیگری با زندگی روزمره مردم و آینده فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی گره خورده است. وی افزود: در سخنانم گفتیم و باز هم تأکید می‌کنم: «من می‌دانم تحریم یعنی چه، هزینه‌های آن را برای کشور می‌دانم، مشکلات آن را برای کشور می‌دانم، کسی نگوید عراقچی نمی‌داند تحریم چیست! اما برکات آن را هم می‌دانم. با تحریم باید زندگی کرد.» وزیر امور خارجه ادامه داد: این سخن نه به معنای رضایت دادن به تحریم است و نه سبک شمردن فشارهایی که بر مردم و اقتصاد کشور تحمیل شده؛ بلکه بیان یک واقعیت تلخ و در عین حال آموزنده است. تحریم به‌ما آموخت که کشور در انمی‌توان بر یک ستون واحد اداره کرد؛ نه بر نفت، نه بر چند مسیر محدود، نه بر چند بندر خاص و نه بر تعداد معدودی شریک تجاری. تحریم ما را ناگزیر کرد بزرگ‌تر بیاندیشیم، گزینه‌ها را متنوع‌تر ببینیم و مقاومتر عمل کنیم؛ به سمت فاصله گرفتن از اقتصاد تک‌محور نفتی حرکت کنیم، صادرات غیرنفتی را جدی بگیریم، بازارهای جدید را شناسایی کنیم و مسیرهای تازه‌ای برای تجارت و تعامل اقتصادی بیابیم. از دل همین فشارها، استقلال و بلوغ صنایع مختلف کشور - به‌ویژه صنایع دفاعی و موشکی که در بزنگاه‌های حساس حافظ امنیت این سرزمین بوده‌اند- شکل گرفت و پیشرفت‌های علمی و فناوریانه شتاب گرفت. عراقچی تصریح کرد: وقتی می‌گوییم «با تحریم باید زندگی کرد»، منظور این است که نباید جریان تولید، تجارت و پیشرفت کشور را موقوف به رفع تحریم کرد و نباید متفعلانه منتظر روزی ماند که شاید تحریم‌ها برداشته شود. اقتصاد ایران باید بر مجموعه‌ای متنوع و گسترده از ظرفیت‌های خود تکیه کند، تاب‌آورتر شود و حتی زیر فشار، مسیر رشد خود را حفظ کند. این نگاه من به سیاست خارجی است: تلاش پیگیر برای رفع تحریم‌ها، و هم‌زمان کمک به ساختن اقتصادی که به‌یک منبع، یک مسیر یا یک تصمیم بیرونی وابسته نباشد.



محکومیت حمله در سوریه

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، حمله تروریستی به نمازگزاران در مسجد امام علی بن ابی‌طالب(ع) در استان حمص سوریه را که منجر به شهید و مجروح شدن جمعی از نمازگزاران شد، به شدت محکوم کرد. اسماعیل بقایی جمعه‌شب ۵ دی ۱۴۰۴ مراتب تسلیت و همدردی خود را با خانواده‌های قربانیان این جنایت ابراز و از خداوند بزرگ برای مجروحان سلامتی و بهبودی مسئلت کرد. وی با یادآوری موضع اصولی جمهوری اسلامی ایران در محکومیت قاطع همه اشکال تروریسم و افراطی‌گری خشن، بر مسئولیت همه طرف‌هایی که با انواع مداخلات غیرقانونی از جمله تعرض به حاکمیت و تمامیت سرزمینی سوریه و اشغال بخش‌هایی از این کشور بستری برای ادامه حیات و رشد و شیوع تروریسم و افراطی‌گری فراهم کرده‌اند، تأکید کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین خواستار شناسایی و مجازات عاملان و آمران این حمله شنسعی تروریستی شد و مسئولیت حکومت انتقالی سوریه را در این خصوص متذکر شد.